

بررسی وضعیت و عوامل مؤثر بر انتشار و عدم انتشار نشریات علمی در ایران

□ آنچه در پی می آید خلاصه‌ای است از بخش سوم و خصوصاً چهارم یک پایان‌نامه که جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران به رشته تحریر درآمده است. این پایان‌نامه در چهار بخش تنظیم شده که ما بسیار گذرا به ذکر عناوین دو بخش نخست اکتفا می‌کنیم تا خصوصاً خلاصه‌ای از بخش چهارم آن را که نتایج مطالعات تجربی و میدانی محقق را در بردارد، بیاوریم. مشخصات پایان‌نامه نیز چنین است:

علی‌اصغر کیا، بررسی عوامل مؤثر بر انتشار و عدم انتشار نشریات علمی در ایران. استاد راهنما: دکتر باقر ساروخانی؛ استاد مشاور: دکتر محمد توکل؛ تهران: دانشگاه تهران؛ دانشکده علوم اجتماعی، آذر ماه ۱۳۷۰، ۱۸۵ صفحه.

ایران (۱۳۵۷-۷۰ ه. ش.) عنوان بخش سوم رساله مورد بررسی است که فصل اول آن به تاریخچه نشریات علمی در ایران و فصل دوم آن به نقد منابع و رشد چارچوب نظری موضوع مورد توجه در تحقیق اختصاص یافته است. فصل سوم از این بخش، فرضیه‌های تحقیق را در بردارد که به‌طور خلاصه توانایی مالی صاحب امتیازان نشریات علمی؛ میزان دسترسی به امکانات چاپ و نشر؛ میزان کسب اطلاعات نوین علمی؛ میزان آشنایی صاحب امتیاز نشریات از چگونگی جریان انتشار نشریه؛ میزان توانایی توزیع نشریات؛ میزان سود حاصله از فروش نشریات؛ میزان حمایت انجمنهای علمی و مؤسسات دولتی از نشریات علمی؛ تطابق رشته تحصیلی صاحبان امتیاز نشریات علمی با روش علمی آن؛ عدول از موازین سیاسی تعیین شده از سوی دولت؛ نداشتن نیروی انسانی متخصص و هیأت تحریریه و بالاخره تیراژ نشریات علمی از جمله عواملی فرض شده‌اند که بر روی انتشار یا عدم انتشار نشریات علمی مؤثرند. در فصل چهارم این بخش نیز به تعریف و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مورد استفاده در فرضیه‌ها و در فصل پنجم به جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه اشاره شده است.

وضعیت نشریات علمی کشور در زمان مورد بررسی از بُعد محل انتشار و دولتی یا غیردولتی بودن در جدول ۱ آمده است. جدول فوق که نشانگر وضعیت نشریات علمی در سال ۱۳۷۰ است همان‌طور که در رساله مورد بررسی آمده در زمینه‌های زیر انتشار می‌یافته‌اند و یا روش انتشار آنها این‌گونه ذکر شده است: آبیاری

پیشگفتار و مقدمه رساله مورد بحث بر نقش، جایگاه و اهمیت ارتباطات و مطبوعات اختصاص دارد و بخش اول آن با عنوان «کلیات» دربرگیرنده عناوینی چون: طرح مسأله، ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق و محدودیتهای تحقیق است. بررسی تاریخ حدوداً ۱۲۵ ساله نشریات علمی در کشور و بررسی پیمایش عوامل مؤثر بر انتشار و عدم انتشار نشریات علمی در ایران بین سالهای ۱۳۵۷-۷۰ ه. ش. از جمله هدفهای اساسی پژوهش مذکور ذکر شده است. به عبارت دقیقتر، «موضوع مورد پژوهش در این بررسی نشریات علمی امتیازدار پنج گروه علوم انسانی، علوم فنی - مهندسی، علوم پایه، علوم کشاورزی و علوم پزشکی می‌باشد و منظور از نشریات امتیازدار [علمی]، مجلاتی هستند که رسماً از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز چاپ و نشر را اخذ نموده و به انعکاس پژوهشها، مطالعات و مقالات در جهت اشاعه، آموزش یا رشد علمی در زمینه‌های علوم تخصصی می‌پردازند و هدف از انجام این تحقیق پیدایش و تبیین عوامل مؤثر بر انتشار یا عدم انتشار نشریات فوق‌الذکر می‌باشد».

بخش دوم رساله، «سیر ارتباطات مکتوب در ایران» نام دارد که شامل پنج فصل است با این عناوین: «ورود صنعت چاپ به ایران؛ اولین روزنامه فارسی چاپی در ایران؛ سیر تاریخی پیدایش مطبوعات علمی در ایران و جهان؛ ارتباطات علمی و جایگاه ایران؛ و موانع پیشرفت نشریات علمی در ایران».

«بررسی عوامل مؤثر بر انتشار یا عدم انتشار نشریات علمی در



■ از مجموع نشریات مورد بررسی،
۱۸ نشریه (۲۳/۶ درصد) هیچ‌گونه تبادل
اطلاعاتی با مؤسسات علمی و
تحقیقاتی داخل و خارج از کشور نداشته‌اند

■ سه چهارم از صاحبان نشریات ابراز داشته‌اند که درآمد حاصله از فروش
نشریه کفاف هزینه‌های چاپ و نشر را نمی‌دهد

می‌کنیم که این پژوهش نشریات علمی شهرستانها را مورد بررسی
قرار نداده است.

علاوه بر این روشهای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، تکنیک
پرسشنامه، مصاحبه و بررسی پرونده‌های ناشران نشریات علمی ذکر
شده است.

بخش چهارم رساله، تجزیه و تحلیل داده‌ها را در بردارد که در
فصل اول آن داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه
در سطح توصیفی با استفاده از جداول یک بُعدی، یک متغیر مورد
تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده از نظر من،
۵۷/۵ درصد از صاحبان امتیاز نشریات دارای بیش از ۴۰ سال و
۱/۲۵ درصد یا کمترین تعداد بین سنین ۳۰-۲۵ سال بوده‌اند و باقی
آنها نیز بین ۳۰ تا ۴۰ سال داشته‌اند.

اکثریت قریب به اتفاق صاحبان نشریات، مرد (۹۷/۵ درصد) و
فقط ۲/۵ درصد از آنها زن بوده‌اند. از نظر میزان سواد و مقاطع
تحصیلی، یک نفر دیپلم، ۴۹ نفر فوق‌لیسانس و بالاتر (۶۱/۲ درصد)
و ۲۸ نفر لیسانس (۳۵ درصد) و ۲ نفر نیز فوق‌دیپلم (۲/۵ درصد)
داشته‌اند. ملاحظه می‌شود که بخش قابل توجهی از صاحبان نشریات
علمی دارای مدارج تحصیلی فوق‌لیسانس و بیشتر بوده‌اند که
می‌تواند نشانگر توجه کافی به میزان تحصیل صاحبان نشریات علمی
باشد.

با توجه به طبقه‌بندی علوم به پنج رشته کلی، نشریات علمی
مورد بررسی، توزیع زیر را داشته‌اند علوم انسانی ۱۸ (۲۲/۵ درصد)؛
فنی - مهندسی ۳۲ (۴۰ درصد)؛ علوم پایه ۱۳ (۱۶/۲۵ درصد) و
سایر ۱۷ (۲۱/۲۵ درصد). محقق دو رشته علوم کشاورزی و علوم
پزشکی را ادغام کرده است.

در پاسخ به وضعیت میزان درآمد ماهیانه خود همان‌گونه که
انتظار می‌رفت بیش از نیمی از صاحبان امتیاز نشریات علمی (۷۲/۵)
درصد یا ۵۸ نفر از پاسخ به این پرسش خودداری ورزیده‌اند و از آنجا
که پژوهشگر، چنین امری را پیش‌بینی می‌کرده، تلاش کرده است تا از
متغیرهای دیگری برای این منظور کمک بگیرد. این متغیرها وضعیت
مسکن صاحبان امتیاز نشریات و چگونگی مسافرت آنها به خارج از

جدول ۱.

نشریات دولتی و غیردولتی	محل انتشار		مجموع کل
	تهران	شهرستان	
	مشرمی‌شود	مشرمی‌شود	مشرمی‌شود
۱. دولتی	۶۰	۸	۷۶
۲. غیردولتی	۵۹	۱۵	۸۶
مجموع کل	۱۱۹	۲۳	۱۶۲
درصد	۷۳/۴۵	۱۴/۱۹	۹۹/۹۹

و جنگل و منابع طبیعی ۹؛ کشاورزی ۶؛ پزشکی ۱۷؛ دامپزشکی و
دامداری ۲؛ تکنولوژی و صنایع ۲۷؛ بهداشتی ۵؛ ساختمان و معماری
۸؛ معدن و نفت ۲؛ هواپیمایی و فضا ۶؛ روانپزشکی ۱؛ دندانپزشکی
۳؛ علوم کامپیوتر ۴؛ علوم انسانی ۱۰؛ علوم پایه ۴۳ و سایر ۱۹.
محقق یادآور شده است که جامعه آماری او آن نشریات علمی را
در بر می‌گیرد که محل انتشار آنها تهران ذکر شده است؛ یعنی ۱۱۹
نشریه که ۲۳ نشریه دارای مجوز لازم بوده‌اند ولی هنوز انتشار
نمی‌یافته‌اند. او از میان این ۱۱۹ نشریه، ۸۰ نشریه را به
روش نمونه‌گیری احتمالی گزینش کرده و مورد بررسی قرار داده است
(۶۷ نشریه از میان نشریات در حال انتشار و ۱۳ نشریه از میان
نشریات دارای مجوز که منتشر نمی‌شده‌اند). بنابراین ملاحظه

در زمینه میزان تجربه صاحبان امتیاز نشریات علمی پیرامون چاپ و انتشار نشریه، بر اساس نتایج حاصله می‌توان بیان کرد که نیمی از آنها، یا ۴۰ نفر، بیان داشته‌اند هیچ‌گونه تجربه‌ای در این زمینه نداشته‌اند که این مسأله خود می‌تواند گویای ضعف علمی و تجربی بخش زیادی از ناشران و تهیه‌کنندگان نشریات علمی کشور باشد و بدون تردید در کیفیت و محتوای مطالب نشریات تأثیر منفی بگذارد و ۳۸ نفر دیگر از کل پاسخگویان هم ابراز داشته‌اند که با مؤسسات انتشاراتی داخل و خارج از کشور یا با سایر نشریات داخلی قبل از کسب پروانه برای انتشار نشریه، همکاری و فعالیت داشته‌اند.

در پاسخ به چگونگی حوزه توزیع نشریات، پاسخگویان بیان کرده‌اند که هیچ یک از نشریات علمی فقط در خارج از کشور توزیع نمی‌شوند و ۵ نشریه فقط در شهرستانها، ۵ نشریه در استان محل انتشار، ۲۷ نشریه در برخی از مناطق کشور، ۲۴ نشریه در تمام نقاط کشور (البته در شهرهای بزرگ)، و ۸ نشریه نیز در داخل و خارج از کشور توزیع می‌شوند. بنابراین ملاحظه می‌کنیم که از نظر توزیع نیز ضعف عمده‌ای وجود دارد و اکثر نشریات دارای حوزه انتشار بسیار محدودی هستند و در بخش وسیعی از کشور توزیع نمی‌شوند و به‌دست خوانندگان یا طالبان پراکنده در کشور نمی‌رسند.

نتایج به‌دست آمده در زمینه درآمد حاصل از فروش نشریه بیانگر آن است که ۹ نفر از صاحبان امتیاز نشریات ابراز داشته‌اند که درآمد حاصله از فروش نشریه، کفاف هزینه‌های چاپ و نشر نشریه را می‌دهد و ۶۰ نفر نیز بیان کرده‌اند که درآمد حاصله از فروش، کفاف هزینه‌های چاپ و نشر را نمی‌دهد و این در حالی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طرق مختلف کمکهایی را به نشریات ارائه می‌نماید به‌ویژه از لحاظ تأمین کاغذ.

حال با توجه به نکته فوق که سه چهارم از صاحبان نشریات ابراز داشته‌اند که درآمد حاصله از فروش نشریه کفاف هزینه‌های چاپ و نشر را نمی‌دهد از آنها پرسش شده است که چگونه مخارج نشریات خود را تأمین می‌کنند. ۳۰ نفر گفته‌اند که از طریق اعتبارات دولتی؛ ۱۳ نفر از طریق سرمایه شخصی؛ ۱۸ نفر از سایر طرق (کار افتخاری هیأت تحریریه، استفاده از وام و غیره) هزینه‌های چاپ و نشر را تأمین می‌کنند که هیچ یک از پاسخها به شکل منطقی، مطلوب نیستند و گویای وجود ضعفهای عمده و آشکار در زمینه چاپ و نشر نشریات علمی هستند که هرکدام می‌توانند به راحتی تداوم انتشار و حیات نشریات را در معرض خطر جدی قرار دهند.

وضعیت رشته تحصیلی صاحبان نشریات، گویای آن است که ۲۲ نفر از آنها در رشته‌های علوم انسانی؛ ۲۸ نفر فنی - مهندسی؛ ۷ نفر علوم پایه؛ ۱۰ نفر پزشکی و ۷ نفر کشاورزی اشتغال به تحصیل داشته و یا دارند. جالب آنکه ۳۶/۴۸ درصد از پاسخگویان، رشته تحصیلی‌شان با روش علمی نشریه آنها انطباق نداشته است.

در زمینه چگونگی تداوم انتشار نشریات، ۵۱ نفر از صاحبان نشریات ابراز داشته‌اند که نشریات آنها به‌طور مستمر منتشر می‌شده است و وقفه‌ای در انتشار آنها پدید نیامده است و ۲ نشریه کمتر از ۲ ماه، ۷ نشریه ۲ تا ۴ ماه و ۱۲ نشریه نیز بیش از ۴ ماه دارای وقفه در انتشار بوده‌اند و عمل وقفه را ۱۱ مورد، امور اقتصادی و مالی؛ ۲ مورد نداشتن هیأت تحریریه؛ ۳ مورد هیأت تحریریه و وضعیت نامساعد مالی، و ۴ مورد نیز سایر علل ذکر کرده‌اند و هیچ یک علل وقفه را، حداقل به طور آشکار، مسائل و علل سیاسی ذکر نکرده‌اند. از نظر تعداد اعضای هیأت تحریریه چنانکه نتایج به‌دست آمده

نشان می‌دهد می‌توان گفت که تعداد ۱۴ نشریه کمتر از ۵ نفر؛ ۳۷ نشریه بین ۵ تا ۱۰ نفر، ۱۳ نشریه بین ۱۰ تا ۱۵ نفر و ۸ نشریه نیز دارای بیش از ۱۵ نفر اعضای هیأت تحریریه بوده‌اند، اما از بُعد اینکه این اعضای هیأت تحریریه، تمام وقت بوده‌اند یا پاره‌وقت، صاحبان ۳ نشریه ابراز داشته‌اند که اعضای آنها تمام وقت؛ ۴۱ نشریه دارای اعضای پاره‌وقت؛ ۲۸ نشریه دارای اعضای تمام وقت و پاره‌وقت بوده‌اند.

تیراژ نشریات علمی خود به تنهایی می‌تواند یکی از شاخصهای تعیین‌کننده جایگاه نشریات علمی در جامعه به حساب آید. از این دیدگاه اگر به وضعیت نشریات علمی در جامعه‌مان نگاه کنیم ملاحظه می‌کنیم که فقط ۱۳ نشریه از میان نشریات مورد بررسی دارای تیراژ بیشتر از ۲۰ هزار نسخه بوده‌اند. علاوه بر این ۵ نشریه تا ۲۰ هزار نسخه، ۱۸ نشریه تا ۱۲ هزار نسخه، ۱۴ نشریه تا ۸ هزار نسخه، ۱۶ نشریه تا ۴ هزار نسخه و حتی ۲ نشریه کمتر از یک‌هزار نسخه تیراژ داشته‌اند که به‌خوبی نشانگر وضعیت اسفناک جایگاه نشریات علمی در جامعه ماست.

در پاسخ به این پرسش که مهمترین مسائل و مشکلاتی که در نشریات علمی با آنها دست به‌گریبان‌اند کدام است، صاحبان نشریات بیان داشته‌اند که ۲۷ نشریه دارای کمبود امکانات اولیه چاپ و نشر؛ ۲ نشریه دارای مشکل توزیع؛ ۸ نشریه دارای مشکل عدم حمایت مالی و معنوی توسط ارگانها و وجود بوروکراسی؛ ۷ نشریه دارای مشکل کمبود هیأت تحریریه و اشتغال زیاد مدیران مسئول، ۱۴ نشریه دارای مشکل عدم دسترسی به منابع تخصصی خارجی و ۶ نشریه نیز دارای مشکل ضعف مدیریت و عدم اداره صحیح و منطقی نشریات هستند.

در فصل دوم از بخش چهارم، محقق با استفاده از جداول دو بُعدی به تبیین روابط میان متغیرهای مورد بررسی در فرضیه‌ها پرداخته و نتایج حاصله را درج کرده است که نتایج به‌دست آمده چنین بوده است:

میزان دسترسی به امکانات چاپ و نشر از جمله عوامل مؤثر در انتشار یا عدم انتشار نشریات است و رابطه معنی‌دار میان این دو متغیر به تأیید رسیده است و لازم است که در این زمینه به نشریات علمی جهت تداوم در انتشار، توجه کافی بشود تا آنها با مشکلات خطرآفرین در این زمینه مواجه نشوند.

از دیگر عواملی که تأثیر آن بر روی چگونگی انتشار یا عدم انتشار نشریات از نظر آماری به تأیید رسیده مسأله تبادل اطلاعات نشریات علمی با مراکز مختلف علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی است که به عقیده محقق باید به تقویت این تبادل اطلاعات مبادرت ورزید و نگذاشت که این حداقل تبادل اطلاعاتی که وجود دارد رو به کاستی بگذارد.

توانایی در توزیع نشریه از جمله عوامل دیگری بوده است که رابطه آن با تداوم انتشار یا عدم انتشار نشریات علمی از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفته است و محقق عقیده دارد که هر قدر صاحبان نشریات بتوانند زمینه‌های توزیع مناسبتر و مطلوبتر را برای نشریات خود پدید آورند می‌توانند به استمرار و تداوم انتشار نشریه خود بیشتر امیدوار باشند، بنابراین لازم است که تلاش کنند علاوه بر ارتقای کمی و کیفی نشریات خود از بُعد محتوا، به مسأله توزیع نشریه که امر مهم و قابل توجهی در تداوم حیات نشریه است توجه کافی بنمایند و به آن همچون پدیده‌ای ثانوی و پیش پا افتاده ننگرند.

مختلف افزایش تیراژ را به دست آورند که از جمله این راهها، ارتقای سطح کیفی نشریات، توزیع مناسب شناساندن نشریه به مخاطبان و غیره است.

اما باید خاطر نشان کرد که عواملی نیز که در برخی دیگر از فرضیه‌ها به عنوان عوامل مؤثر بر انتشار یا عدم انتشار نشریات علمی در نظر گرفته شده بودند با توجه به آزمونهای آماری محاسبه شده بر اساس نظرات پاسخگویان، رابطه معنی داری میان آنها به دست نیامده است و این متغیرها در واقع مستقل از یکدیگرند و چگونگی انتشار نشریات علمی یا عدم انتشار آنها به آن عوامل بستگی ندارد. این متغیرها یا عوامل که مورد آزمون قرار گرفته و رد شده‌اند عبارتند از: میزان توانایی مالی صاحب امتیاز نشریه [البته باید همینجا اشاره کنیم که «کای اسکورن» محاسبه شده میان دو متغیر و نتیجه حاصله از آن نشانگر وجود رابطه میان آنهاست و شکل منطقی قضیه نیز باید این گونه باشد لیکن چرا محقق در تفسیر خود از جدول مربوطه و نتایج حاصله آن را معنی دار ندانسته‌اند بر ما پوشیده است]؛ میزان آشنایی صاحبان امتیاز نشریات با مراحل و مسائل چاپ و نشر و رشته تحصیلی صاحبان نشریات.

در فصل سوم از بخش چهارم، محقق به نتیجه‌گیری از پژوهش خود پرداخته و مسائل و مشکلات زیر را برای روزنامه‌نگاری علمی و نشریات علمی - تخصصی کشور برشمرده است:

الف. گرایش این نشریات به عام‌پسند بودن که این مسأله خود ناشی از دو عامل بیرونی و درونی نشریات است. از لحاظ بیرونی، تضاد بین کیفیت و کمیت خوانندگان، تقسیم صفحات نشریات و مجلات علمی به زمینه‌های مختلف و انتخاب موضوعات دلخواه توسط ناشران را می‌توان یادآور شد. و از لحاظ درونی نیز باید از عواملی چون تمرکز نشریات در تهران دروازه‌بانی مطالب یا انتخاب آنها یاد کرد.

ب. مشکل قیمت نشریات علمی است که به عقیده محقق از آنجا که دانشجویان به عنوان مهمترین مخاطبان و خریداران نشریات علمی دارای درآمد کمی هستند و توان خرید این گونه نشریات را ندارند در نتیجه میزان فروش این نشریات در حداقل ممکن است و هر چه تیراژ و فروش نشریه کمتر شود از سوی دیگر بر قیمت و هزینه تمام شده هر نسخه از نشریه افزوده خواهد شد و بنابراین باز مشکل به شکل مضاعفی خود را نشان خواهد داد از این رو لازم است که دولت مساعدتهای لازم را در این زمینه بنماید.

ج. مشکل اساسی دیگر مشکل توزیع نشریات علمی است که مخاطبان این نشریات قادر به دستیابی به این نشریات نیستند. مشکل توزیع در واقع حداقل دو بُعد عمده دارد: یکی سرعت در انتشار و دیگری محدوده جغرافیایی انتشار نشریه است.

محقق در یک طبقه‌بندی کلی عمده‌ترین مسائل و مشکلات نشریات علمی را این‌گونه یادآور شده است: ۱- مسائل مالی؛ ۲- مسائل فنی و کمبود مواد اولیه چاپ و نشر؛ ۳- کمبود نیروی انسانی متخصص؛ ۴- کمبود مطالب و مقالات علمی؛ ۵- عدم استقبال دانشجویان، دانش‌پژوهان و مخاطبان از نشریات علمی.

برای حل مسائل و مشکلات مطروحه، محقق پیشنهادات زیر را ارائه داده است:

۱. با ایجاد انجمنهای علمی و تقویت تشکیلات حرفه‌ای می‌توان

به‌طور فزاینده‌ای به توسعه و گسترش کمی و کیفی نشریات علمی - تخصصی در گروهها و رشته‌های مختلف علمی پرداخت.

۲. تأسیس مراکزی که به‌طور مستقیم به حمایت مالی و معنوی از نشریات علمی بپردازند به نحو چشمگیری در استمرار و توسعه آنها می‌تواند مؤثر باشد، چون اکثر این نشریات در بخش غیردولتی خصوصاً با مشکلات اقتصادی مالی و کمبود نیروی انسانی متخصص و هیأت تحریریه ماهر و کاردان مواجهند و با روند فعلی که هیچ‌گونه حمایتی از این گونه نشریات به عمل نمی‌آید برخی از آنها توانایی لازم را برای استمرار انتشار نشریات خود را ندارند و همواره با وقفه در انتشار مواجهند.

۳. به علت کمبود چاپخانه و افزایش نرخ تعرفه‌های چاپی و هزینه‌های لیتوگرافی و خدمات فنی، برخی از نشریات علمی کشور از ادامه انتشار بازمانده‌اند یا مدتی در انتشارشان وقفه به وجود آمده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توسعه و تجهیز چاپخانه‌ها و پرداخت سوبسید به نحوی مشکلات این نشریات حل شود [لازم است اضافه کنیم که نه تنها در طی سه سال که از انجام این تحقیق می‌گذرد به این امر توجهی نشده است بلکه هر روزه شاهد وخیم‌تر شدن اوضاع چاپ و نشر در تمامی زمینه‌ها هستیم و متأسفانه از نظر فرهنگی باید خسارتها و ضررهای جبران‌ناپذیری را تحمل نماییم].

۴. ایجاد بانک اطلاعات قوی و کارآمد می‌تواند زمینه‌هایی برای نشریات علمی در کشور را فراهم سازد و زمینه توسعه کمی و کیفی آنها را هموار نماید.

۵. ارزیابی و بازبینی محتوای کمی و کیفی نشریات علمی کشور می‌تواند به توسعه آنها به نحو مطلوبتر کمک نماید و ایجاد مراکزی که به‌طور دقیق به این بازبینی و ارزیابی بپردازند ضروری به نظر می‌رسد.

در پایان باید یادآور شد که در یک نگاه کلی می‌توان گفت که رساله مورد بررسی و نتایج به دست آمده از آن و پیشنهادات مطروحه از سوی محقق علی‌رغم گذشت سه سال از زمان تدوین آن، هنوز می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل و مشکلات مبتلابه نشریات علمی کشور باشد. این پژوهش که می‌تواند به عنوان نخستین مطالعه علمی در زمینه نشریات علمی کشور قلمداد شود در حد خود نسبتاً جامع و کامل به نظر می‌رسد و لازم است که در شرایط و موقعیت کنونی که جامعه ما با مسائل و مشکلات جدیدی نیز مواجه شده است و به تبع آن نشریات مسائل و مشکلات جدیدتری نیز پیدا کرده‌اند پژوهشگران و محققان، گامهای بلندتر و اساسی‌تری را برای تبیین مشکلات، اولویت‌گذاری آنها و نهایتاً چاره‌جویی علمی و منطقی آنها بردارند و زمینه را برای رشد و شکوفایی و بالندگی جامعه در تمامی ابعاد فراهم سازند.

تهیه و تنظیم: علیرضا حسینی پاکدهی